



نامه‌های

وزیرمختار ایران

در فرانسه

به وزیر امور خارجهٔ ایران

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه

« ۱۰ »

از

سرلشکر محمود کی



کتابخانه مرکزی

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### عریضه مورخه ۹ جمادی الاخری ۱۲۹۹ نمره ۱۸۴ مشتمل یکطرفه

خداوندگارا اطلاعاتیکه مسیو روز رئیس کارخانه بکارا وعده کرده بود درباب قالب و اداره عمل کارخانه بلورآلات بفرستد و بچاپار گذشته وصلت نداد، پریروز رسید و اینک لفاً انفاذ میشود. بعضی از آنچه را که زبانی گفته بود و فدوی بعرض رسانیده است در کاغذ خود تکرار نمیکند، اما اطلاعات دیگر میدهد که آنها نیز خیلی بکار است. بعد از رسیدن عریضه فدوی و کاغذ مشارالیه و پس از اطلاع یافتن از مطالب آنها بهمر قسمی که امر و مقرر شود، اطاعت خواهد شد

۱۲۹۹ جمادی الاخری

شعبان

### عریضه مورخه ۱۳ جمادی الاخری ۱۲۹۹ نمره ۱۸۵ مشتمل یکطرفه

خداوندگارا در هفته گذشته عریضه مفصلی در باب گمرک فرش ایران معروض داشته و سواد مراسله را که در آن خصوص بجناب مسیو فرسنه نوشته بودم، در جزو عرایض خودم فرستاده‌ام. پریروز که ۲۹ آوریل بود، جوابی از جانب معزی‌الیه رسید، سواد آنرا نیز اینک لفاً میفرستم. از قراریکه از مضمون آن معلوم میشود، مراسله فدوی بوزارت تجارت رجوع شده است تا به بینم از آنجا چه جواب می‌رسد، علی‌الحساب تا دستور العمل و تعلیمات مجده از جانب مستطاب اجل بندگانعالی برسد باز هم اقدامات لازمه را درباب تخفیف حق گمرک از فرش ایران خواهیم کرد و آرام نخواهیم نشست،

تا اینکه این کار را بیک نقطه مناسبی برسانم تا خداوند چه مقدر کرده باشد. در باب اختلاف حق گمرک که از فرش ایران و عثمانی و هندوستان بعد از این اخذ خواهد شد شرحی از جانب اداره گمرک - خانه های فرانسه چاپ و انتشار شده است و یک نسخه از آن انتشار - نامه از وزارت خارجه باین سفارت ملفوفاً ابلاغ شده بود که عیناً در پاکت امروز انفاذ حضور مبارک میشود که در حق گمرک از فرش مشرق زمین تفاوتی نگذاشته اند .

۱۳ جمادی الاخری ۱۲۹۹

**عریضجات مورخه ۲۳ جمادی الاخری ۱۲۹۹ نمره ۱۸۶ مشتمل بر سه طغرا**

خداوندگارا در تعلیقۀ رفیعۀ که بتاريخ ۲۵ ماه صفر شرف صدور یافته بود و در یوم دوشنبه سیزدهم شهر حال بایصال خیرالحاج حاجی محمد رحیم تبلیغ شد، اشاره شده بود که بر حسب اراده علیه بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه از اشرفالحاج محمد حسن امین دارالضرب مقدار ششمهزار قبضه تفنگ و دو کرور و سیصد هزار فشنگ فلزی ابتیاع شده است و می باید خیرالحاج حاجی محمد رحیم برادر و شریک حاج مشارالیه تفنگ و فشنگ مزبور را بدون عیب و نقص از پاریس حمل بدارالخلافه نماید و ایضاً مقرر فرموده بودند که در این باب با خیرالحاج حاجی محمد رحیم نهایت اهتمام و همراهی به عمل آورم که بدون هیچگونه ممانعت و جلوگیری، اسلحه و ادوات حربیه مزبوره در کمال خوبی وارد طهران شود. اما از قراریکه حاجی محمد رحیم در وقت ابلاغ تعلیقۀ اظهار داشت تفنگ و فشنگ مزبور در پی اثر سفارش شده است و باید از راه آلمان و روسیه حمل و نقل بشود و علی الحساب فقط یکصد لنگه صندوق تفنگ و سیصد هزار فشنگ فلزی که در یکصد و پنجاه لنگه صندوق بسته شده است حاضر حمل است. بمحض اطلاع از این خبر و بنا بسفارشات

و فرمایشاتی که در باب حمل آنها شده بود، يك مراسله بجناب جلالتمآب سفیر کبیر دولت آلمان و مراسله دیگر بجناب میرزا اسدالله خان نوشته و عبور صندوقهای مزبور را از خاک آلمان و روسیه تمنا نمودم. از سفیر کبیر دولت آلمان جواب رسید که برای تفنگک و فشنگک مزبور اجازه مخصوص لازم ندارد، اما همینقدریکه در وقت رسیدن بسرحد اسبابی را که در صندوقها بسته شده است بدرستی و صداقت بکار گذاران گمرک آلمان گفته شد بدون ممانعت میگذرد. سواد مراسله جناب معزی الیه را فی الفور بحاجی رحیم که عازم بی‌تر شده بود، فرستاده‌ام و خودم نیز باو تفصیلی نوشتم که برای رفع اشکالات بآدمهای کارخانه و گماشتگان حمل کننده سفارشات لازمه را نماید تا اینکه موافق مضمون مراسله سفیر کبیر آلمان رفتار شود و انشاءالله همین‌طور خواهد شد. علی‌الحساب از جناب میرزا اسدالله خان جواب نرسید و دیر نشده است. حالا که تفنگکها از روسیه میگذرد، گویا لازم است بایشان نیز در باب عبور آنها تعلیقه مرقوم شود. از قرار تقریر حاجی رحیم تتمه تفنگک و فشنگک گویا در پنج یا شش ماه دیگر حاضر بشود. هر وقت حاضر شد در عبور آنها نهایت اهتمام بعمل خواهد آمد.

دو طغرا تعلیقه مهر طلیمه که تاریخ یکی چهارم و تاریخ دیگری از ۲۵ جمادی‌الاول بود با کتابچه صورت خسارت‌هایی که از جانب اکراد باهالی آذربایجان مالا و نفساً رسیده بود و لفاً انفاذ فرموده بودند، شرف وصول بخشید و از تبلیغ آن نهایت تشکر حاصل شد. چنانکه اشاره شده بود در همین روزها جناب مسیو دفرسنه را ملاقات و از تفصیل و مشروحات کتابچه مزبور اطلاعات لازمه را بایشان خواهم داد تا معلوم خاطر معزی الیه بشود چه قدر ضرر و خسارت باهالی آن صفحات و حتی بخود دولت از طغیان

و سرکشی اکراد مزبور رسیده است و البته بایشان حالی خواهم کرد که صورت خسارت باز هم ناتمام است و بعد از تکمیل بااطلاع ایشان خواهم رسانید. در این موقع لازم میدانم عرض بکنم که از قرار مذکور بعد از رفع شر اکراد حسب الامر بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداء مدالها سکه زده و باشخاصیکه در اینمقدمه مصدر خدمت واقع بوده اند اعطا و حتی يك مدال طلا مخصوصاً بمسیو دوویل کاستل و بعلاوه مدال، منصبها و لقبها برای دیگران مرحمت شده است، اما در حق فدوی (که به تصدیق خود جناب معین الملک هیچ فرصتی را در بازداشتن سفیرکبیر دولت فرانسه بهمراهی ایشان در ابعاد شیخ عبدالله و تنبیه اکراد از دست نداده و بآنطوریکه در عرایض سابقه معروض داشته ام خدمات لازم را کرده ام) يك آفرین هم خوانده نشد، نمی دانم چرا اینگونه خدمات فدوی منظور نظر نشده است و حال اینکه هرگاه آن اقدامات در آن موقع از جانب این سفارت نشده بود دولت فرانسه بمحض اظهار مسیو دوویل کاستل سفیر کبیر خود را بآنطورها مأموریت نمی داد که در آن مقدمه با سفیرکبیر دولت علیه متابعت و همراهی نماید. خلاصه زحمتها را فدوی کشیده و تمتع را دیگران برده اند.

\*\*\*

معمد السلطان میرزا عباس خان و مسیو بوآتال در هفته گذشته وارد پاریس شده و آمده از فدوی دو مرتبه دیدن کرده و تعلیقه مورخه ۶ جمادی الاول را که در سفارش آنها و پیشرفت عمل راه آهن بسرافرازی فدوی صادر شده بود تبلیغ نمودند و شب و روز مشغول فراهم آوردن اسباب این کار خیر بوده اند و هستند و فدوی نیز بنا بتکلیفی که در پیشرفت اینگونه امورات دارد، اوقات خود را در فراهم آوردن اسباب و وسایل آن صرف نموده بجد و جهد باحضرات همراهی نموده و خواهد نمود که بلکه این کار خیر و

بامنفعت در ایران سر بگیرد و اسباب ترقی و مکتت و ثروت و اعتبار چنانکه در سایر ولایات روی زمین بآن واسطه برای آنها حاصل شده است برای ما نیز مترتب شود. اما در این چند ماه یعنی از روزی که آن دو بانك بزرگ فرانسه ورشکست شده‌اند پیشرفت این قبیل کارها بعمده تعویق افتاده و صرافها و معتبرین نمی‌خواهند خود را بکارهای خارجه دخیل نمایند، خلاصه پیدا کردن پول برای ساختن راه آهن در این روزها خیلی دشوار شده است با وصف این احوال در پی وسایل بوده و هستم تا خداوند چه مقدر کرده باشد.

۲۳ جمادی الاخری ۱۲۹۹

عریضه مورخه ۴ رجب المرجب ۱۲۹۹ نمره ۱۸۷ مشتمل یکطرفه

خداوندگارا تلگرافنامه مبارکه که در یازدهم این ماه فرنگی ارسال فرموده بودند، در روز شنبه سیزدهم ماه مزبور شرف وصول بخشید و حسب الامر رفته در یوم چهارشنبه که روز پذیرائی جناب مسیو دفرسنه بود ایشانرا ملاقات نموده و از مضمون تلگراف مزبور اطلاعات لازمه را بدین مضمون بایشان داده‌ام که مسیو «بالوا» در بدو ورود بدربار دولت علیه بعد از پذیرائی‌های شایسته و ادای مراسم و داد هنوز چندی نگذشته بنای بد رفتاری گذاشته کاری کرده که در این چند سال بنای استقرار دستگاه پلیس در طهران، از سفرای خارجه نکرده بود؛ باین معنی که نصف شب صاحب منصب خود را فرستاده از اداره پلیس مقصر را کشیده بسفارتخانه خود برده و حال اینکه همیشه بقانون عمومی مملکت رسم معمول این بود که اگر از نوکرهای سفارت مصدر بی نظمی و شرارت شود تا صبح بلکه تا چند روز در مجلس پلیس می‌ماند تا تحقیقات و سزای لازم داده شود. از سفیر دولت فرانسه که دوست بی‌غرض دولت علیه است هیچ توقع نبود که سرمشق بی‌نظمی و اختلال اداره پلیس برای سفرای دیگر باشد. شرح این احوال و چگونه این گزارشات

با پست خواهد رسید، اما علی الحساب بموجب تلگراف مأمورم که کمال ناراضامندی اولیای دولت علیه از این رفتار مسیو بالوا را بجناب شما اظهار نمایم و بگویم که این سفیر شما حسن ظن کامل دولت علیه را در حق سفرای فرانسه بکلی باطل نمود و اگر چه من غیر حق ترضیه را دولت علیه بمشارالیه داده و حفظ احترام دوستی دولت فرانسه را رعایت کرد ولی این رفتار ناگوار در نظر اولیای دولت علیه ناپسندیده مانده است. جناب دفرسنه در جواب همینقدر گفت مسیو دبالوا در این باب اطلاع نداده است، باید منتظر شد تا کاغذ او برسد. البته باقتضای دوستی و اتحاد دولتین ذی شوکتین رعایت نظم و انتظام در همه جای عالم لازم و منظور بنظر ما بوده و هست، ولی از قراریکه از مضمون این تلگراف معلوم میشود اداره پلیس طهران برخلاف قانون معمول، آدم سفارت فرانسه را حبس کرده است و مسیو بالوا در این مقدمه منظور دیگر نداشته، مگر اینکه خواسته است حق سفارت مجری شود و برقرار بماند. البته میدانید که در اینجاها پلیس اختیار ندارد آدم سفارت را حبس بکند و احياناً هرگاه آدم سفارت تقصیری کرده و در خارج سفارت دستگیر شده باشد، اداره پلیس مجبور است که مقصر مزبور را بسفارتخانه نزد سفیر که آقای اوست ببرد و بسفارتخانه تسلیم کند. با وصف این احوال تعجب است که پلیس تهران آدم سفارت فرانسه را بی اجازه حبس کرده است، باید غرض درکار باشد والا اداره پلیس حق ندارد نسبت باتباع سفارتخانهها تعدی و دست درازی نماید. خلاصه بدون اطلاع کامل در این باب نمی توان حکمی جاری کرد، باید منتظر شد تا کاغذ مسیو دبالوا برسد. البته تفصیل احوال را می نویسد و حقیقت معلوم خواهد شد که غرضکار که بوده است. فدوی باز هم تجدید مطلب نموده، گفتم از قرار معلوم غرض درکار نبوده است، مسیو بالوا بنای بد رفتاری را گذاشته است و باید در این فقره،



خلاف قاعده از او سرزده باشد والا این تلگرام را باین صراحت نمی‌فرستادند و باین شدت اظهار نارضامندی از رفتار مشارالیه نمی‌کردند. مسیو دفرسنه گفت نمیدانم چه شده است، اما در هر صورت مسیو بالوا نباید برخلاف نیت دولت فرانسه که بجزازدیاد مراودات و مصافحات منظور دیگر ندارد رفتار نماید. در حال باید منتظر شد تا کاغذ او برسد و تکلیف معلوم شود. ضمناً لازم میدانم عرض بکنم که آنچه جناب مسیو دفرسنه در باب فقره نوکرهای سفارت میگفت صحت دارد و این تصدیق را از روی اطلاع عرض میکنم، زیرا که هائری نام کالسگچی قدیم این سفارت آدمی بود تندخو و کلاش، چندین مرتبه با آدمهای پلیس سخت گفته و از گفته آنها ترمرد کرده بود و حتی یکدفعه در حضور خودم یعنی در وقتیکه خودم در کالسکه نشسته بودم و او کالسکه این سفارت را می‌راند نمی‌دانم چه طور شد چرخ کالسکه ما خورد بچرخ يك کالسکه بازاری و آنرا خراشید. کالسگچی مزبور صدا زد بایستید و غرامت بدهید. هائری گوش نداد و وقتیکه آن کالسگچی بدو آمد جلو اسب ما را گرفت، هائری او را زد و سر و گوش آن بیچاره را کوبید. اما او کتک را میخورد و جلو اسب را رها نمی‌کرد تا اینکه پنج و شش نفر از اهالی پلیس مثل مور و ملخ ریخته بر سر کالسکه ما و خواستند هائری را بحبس ببرند، اما همینکه فهمیدند کالسکه سفارت است، هائری را ول کردند و صدا از این فقره بیرون نیامد. خلاصه باوجود اینهمه نظمی که در اینجاها هست و نباید کسی بکسی دست بلند بکند، باز هم محض احترام سفارت دست بنوکر سفارتمها نمی‌زنند و نوکرهای سفارتها آسوده‌اند. از قراریکه یکنفر از صاحب منصبان وزارت امور خارجه با فدوی سؤال و جواب کرد و بعد از آنکه فهمید که کنت مونت فورت ایتالیائی است گفت این رئیس پلیس شما آدم باغرض و باسفارت ما باید عداوت داشته

باشد و آدم با شعور این کار را نمی‌کند که او کرده است و این را هم میگفت میشود که لژیون دونوز باو ندادند و او میخواهد باینطور - های ناحق تمدی بکند، اما باید باو سفارش کرد که بجای خود بنشیند والا باینطورها باسفارت يك دولت بزرگ سربسر نمی‌توان گذاشت و نمی‌شود با آن سفارت باینطورها رفتار کرد والا اسباب رنجش بیرون می‌آید و آن شخص که این حرف رامیزند با ما دوست است و محض خیرخواهی جسارت بچنین اظهارات می‌نمود. حالا دیگر اختیار با اولیای دولت علیه است.

۴ شهر رجب المرجب ۱۲۹۹

عریضه مورخه ۲۷ رجب المرجب ۱۲۹۹ نمره ۱۸۸ مشتمل بکطرفا

خداوندگارا مسیو موشه رئیس رصدخانه پاریس سه روز قبل براین مراسله باین فدوی نوشته و اطلاع داده که اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی در باب کسوفی که در ۱۷ ماه مه مطابق ۲۹ جمادی الاخری وقوع یافته بود بموجب تلگراف استحضارات خواسته بودند و باتلگراف اطلاعات لازمه در همان وقت داده شد و چون در آن روز در آن حالت گرفتن آفتاب بتدریج چهار دفعه عکس آفتاب را با فتوگرافی در رصدخانه انداخته بودند و چون مسیو موشه برای تکمیل اطلاعاتی که داده است، تبلیغ این چهار قطعه عکس آفتاب را لازم میدانند، لهذا از فدوی خواهش کرده است که آنها را بحضور مبارک برسانم تا اینکه بایصال جناب مستطاب بندگانعالی بخاکپای مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری روحنا فداه تقدیم شود. نظر براین احوال اینک عکسهای مزبور را در پاکت علیحده انفاذ میدارم و مستدعی‌ام وصول آنها را برای اطلاع رئیس رصدخانه مرقوم فرمائید، تا اینکه از وصول آنها اطمینان حاصل شود. گویا در این موقع چنانکه در همه جا رسم است برای او يك نشان مرحمت شود خیلی بموقع خواهد شد.

در این روزها يك دوفصل در باب طبال باشی و همچنین در باب لشگر ایران نوشته‌اند. مقصود ضرب است، گویا روزنامه نویسه‌ها خیال دارند بما صدمه بزنند، در اینصورت لازم است که دم اینها گرفته بشود والا هرگاه التفاتی در حق آنها نشود چیزهای سخت‌تر از اینها می‌نویسند. چنانکه سابقاً عرض شده است باید چهار پنج فرمان سفید مهر در سفارتخانه‌ها حاضر باشد که بدهن آنها انداخته شود تا ساکت بمانند.

این کاغذ را که لفا میفرستم از ینگی دنیا باین فدوی نوشته‌اند، بعد از ملاحظه هرچه صلاح بدانند مقرر فرمایند که از آنقرار جواب داده شود.

در مصر کارها رفته رفته مغشوش‌تر میشود. در اسکندریه شورش و در میان اعراب و اهالی اروپا که در آن شهر سکنی دارند هنگامه و زدو خوردی مطبوطی شده است. دو روز قبل بر این از فرنگی‌ها چهل و نه نفر و از عرب‌ها پنج نفر کشته شده است و ایضاً از اروپایی‌ها هشتاد نفر و از اعراب بیست و هشت نفر مجروح شده‌اند، اما لشگر مصر رسیده است و هنگامه را آرام داده است. کشتی‌های فرانسه و انگلیس در بندر اسکندریه حاضر بوده‌اند، ولی آرام بودند مداخله نکرده‌اند. حالا هیچ معلوم نیست از میانه چه بیرون بیاید. اعتقاد دارم که این کار عقبه نداشته باشد. علی-الحساب گفتگو در باب انعقاد کنفرانس است، گویا واقع بشود و قراری در باب اصلاح مصر داده شود. فصولی که در باب شورش آنجا در روزنامه لسوار و روزنامه فیگارو نوشته بودند، از روزنامه‌های مزبور قیچی نموده و اینک لفا انفاذ میدارم. مقرب الحضرة دکتور حسین خان فرزند معتمد السلطان مستشار هم لله الحمد بعد از انتظارها در روز جمعه ۲۲ همین ماه عازم اسلامبول شد که از آنجا روانه دارالخلافه بشود.

۲۷ رجب ۱۲۹۹

عریضجات مورخه ۱۸ شهر رمضان المبارک ۱۲۹۹ نمره ۱۸۹ مشتمل بر پنج طغرا

خداوندگارا تعلیقه جات رأفت آیات که در هیجدهم و ۲۶ جمادی - الاخری و در ۱۸ رجب و در آخر شعبان المعظم در جواب عریضه جات فدوی شرف صدور یافته بعضی بتوسط پست و برخی بایصال عالیشان غلام علی خان بضمیمه دو طغرا فرمان صاحب منصبان دربار حضرت پاپ عزو صول بخشید، اما نشانهای آن دو فرمان و نشان - های آن پنج فرمان سابق هنوز نرسیده است، امیدوارم چنانکه ضمناً اشاره شده بود زودتر برسد و از خجالت حضرات بیرون بیایم . اینکه در مدت این سه هفته در عریضه نگاری فدوی اهمال شده ، بواسطه درد چشم بوده است . بحدی باین درد گرفتار بودم که از حالت ملاحظه کتاب و تحریرات عاجز مانده بودم . حالا الحمدلله رفع علت شده چشمم رو به بهبودی است .

دو نمونه قالب هائی که برای ریختن بلورآلات مقرر شده بود بدهم بسازند ، بخود مسیو روز رئیس بکارا سفارش کرده ام بدهد تمام کنند و انشاءالله در همین روزها با تمام رسیده ، حمل دار الخلافه خواهد شد . در باب عمل گمرک پیش از وصول دستور العمل آخری جناب مستطاب بندگان عالی ، از جانب جناب مسیو فرسنه جواب مراسله مورخه ۳ آوریل این فدوی رسید . چنانچه از مضمون سواد آن که لفاً انفاذ میشود استنباط خواهند فرمود ، بدلائل منصفانه ای که بموجب مراسله فوق الذکر بایشان اقامه کرده بودم تمکین ننموده ، زیر بار هیچکدام از تکالیف فدوی نمیروند . در این روزها هم بواسطه وقایع و حوادث اتفاقیه مصر ، حالت و فرصت آنرا ندارند که اوقات خود را باین کارهای تجارت مصروف بنمایند و از اینها گذشته ایشان وسایر وزرا در تزلزل بودند و چون آنها طالب بودند که باتفاق دولت انگلیس مداخله بعمل مصر بشود و از آنجا که وکلای ملت برخلاف اجرای این نیت بودند ، لهذا بدادن استعفا از وزارت

خود را مجبور دیدند و حالا اینها خود را پس میکشند و وزرای جدید هنوز تعیین نشده‌اند، انشاءالله بمحض اینکه قدری حالت آرام گرفت و وزرای جدید یا قدیم مستقر شدند رشته این امر را بدست گرفته اهتمامات لازمه را در اجرای حقوق دولت علیه و حفظ شروط عهدنامه مقدسه بکار برده که بلکه از یمن و سعادت بخت بلند اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه و از توجه مخصوص اولیای دولت ابد فرجام علیه این عمل گمراهی‌کننده سابق صورت انجام بگیرد. زیاده چه جسارت شود.

\* \* \*

در جزء تعلیقجات وصول يك جلد کتاب زردراکه سابقاً فرستاده بودم مرقوم فرموده بودید. از رسیدن آن خیلی خوشحال شدم. از آن وقت باین طرف دو جلد دیگر از آن کتاب که باز هم دایر بعمل مصر است و يك جلد دیگر که در باب امورات اسپانیولیها است در سیدا چاپ شده است و هر سه جلد را تحصیل نموده و با همین پست امروز انفاذ میدارم و استدعا میکنم که اینها را نیز مانند جلد اول بخاک پای مبارک اعلیحضرت اقدس شهریارای تقدیم فرمائید. گویا يك جلد دیگر که آنهم در باب امورات مصر است در همین روزها چاپ شود. آنرا نیز بمحض اتمام تحصیل نموده، میفرستم. يك سال ونیم قبل براین از برای مسیو ساووبلان منشی روزنامه بکلرون از درجه پنجم و از برای مسیو مشین از درجه چهارم نشان شیر و خورشید در جزء سایر نشانها استدعا کرده بودم و مرحمت نشده بود. از قضایای اتفاقیه فرمان این دو شخص گم شده است و استعمال نشان بی فرمان در اینجاها کار بسیار دشواری است. آن دو شخص هر دو باین سفارتخانه آمده خواهش کردند که سواد یا عوض آن دو فرمان از واجبات است زیرا که خود مسیو و ویلان روزنامه نویس و مسیو مشین هم خدمتگذار است و باید با چنین اشخاص تملق کرد و آنها

را از خود نرنجانند والا آدم را ضایع می کنند . در آن ضمن هرگاه آن چهاروپنچ فرمان لازم را که سابق برای روزنامه نویسها خواسته بودم مرحمت فرمایند آنهم خیلی بجا خواهد بود. روزنامه نویسها را باید در دست داشت که بکار ما میخورند والا اگر بنا بر این باشد بآنها اعتنا نشود مارا اذیت میکنند. خلاصه در خدمتگذاری و دولت خواهی صلاح را در این می بینم که عرض کنم نشان روزنامه نویسها را نباید مضایقه کرد، بلکه باید انعام و تعارف را از آنها دریغ ننموده والا کار بجائی خواهد کشید که دیگر اعتنا بقول ما نخواهند کرد و مارا بزیر رکاب و ضرب خواهند کشید. تکلیف فدوی این است که اینگونه مراتب را بعرض برسانم دیگر هرگاه نشانها مرحمت نشود و اسباب افتضاح برپا شود، تقصیر بگردن فدوی وارد نیاید. زیادی چه جسارت شود.

### کتابخانه مدینه فصلنامه

\* \*

از قراریکه مذکور میشود جناب ناظم الملك در این سفر بیشتر از پیشتر مورد عواطف و مراحم ملوکانه شده و بمنصب سفیر کبیری سرافراز، هشت هزار تومان بدو ازانده هزار تومان مقررری ایشان اضافه شده است و یکصد و بیست طفرافرمان سفید مهر بایشان اعطا گردیده که در وقت ورود بمحل مأموریت بهم شخصیکه صلاح بدانند تقسیم نمایند. هرکس که این چیزها را میشنود بر عظمت سلطنت ایران و همت اولیای دولت جلیله تحسین میگوید و در همه جا اقرار دارند که معنی سفارت همین است که سفیر لندن و سفیر اسلامبول دارند. مقررری معتنا به که بآنها میرسد میتوانند شان دولت و آبزوی ملت را بطوری محافظت نمایند که راه ملامت و مذمت برای آنها مسدود شود. اما از طرف دیگر وقتی که حالت آن سه سفارت دیگر را ملاحظه مینمایند، تعجب میکنند که چگونه میشود که سفیر يك دولت بزرگ با پنجاه هزار فرانك که آنهم روز بروز بواسطه تفاوت

پول کسر میشود، در شهر پاریس و وین و پترپورغ زندگی بکند و هر کس که از این اوضاع مطلع است آشکارا میگوید که در حق این سفارتها ظلم میشود و هرگاه اولیای دولت جلیله ملتفت شوند، هرگز خود را باین حالتها راضی نمیکنند و یک قرار و مدار جدید برای صلاح حالت این سه سفارت خواهند داد. حالا محض دولت و ملت پرستی لازم میدانم عرض کنم که بعد از اینکه حالت آن دو سفارت را بآن درجات رسانیده‌اند انصاف نیست و شأن دولت نیز اقتضا نمیکند که این سه سفارت دیگر در این حالت پریشانی و افسردگی باقی بمانند و در باب فرامین نیز همه کس تصدیق میکند که سفرا چنانکه بجناب ناظم‌الملک داده شده است چند طغرا فرمان ذخیره داشته باشند که در موقع خاص بروزنامه نویسمها و غیره بدهند. در این باب عرایض متعدده معروض داشته و استدعای چهار پنج طغرا فرمان کرده‌ام، اما بدبختانه عرایض فدوی بدرجه قبول نرسیده است و از آن طرف دیگر یکمرتبه یک صد و بیست طغرا فرمان بجناب ناظم‌الملک مرحمت شده است. نمیدانم چرا اینقدر در میان مأمورین تفاوت گذاشته میشود که بعضی از آنها باید همه وقت خفت بکشند و گرسنگی بخورند و برخی دیگر امتیازات فوق‌العاده داشته باشند! هرگاه ما مقصریم چرا در اینجاها مانده‌ایم و هرگاه تقصیر نداریم چرا از آن امتیازات ماها نیز بهره نمی‌بریم. خلاصه بد حالتی است و امیدواریم چاره بدرد ما خواهند فرمود و الا زندگانی باین طورها کسر شأن دولت و مأمور دولت است. زیاده چه جسارت شود.

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

\*\*\*

در این مدت سه چهار هفته بواسطه درد چشم مقدورم نشد شرح احوالات و چگونگی حوادث را که در مصر و بخصوصه در اسکندریه رو داده است بعرض برسانم و چون برفدوی عیان است که وقایع

اتفاقیه آنجا بواسطه مأمور دولت علیه مقیم قاهره و بتوسط جناب معین‌الملک بعرض جناب مستطاب اجل‌بندگان عالی در موقع خود رسیده است، لهذا تکرار آنها را لازم نمیدانم. ولی آنچه لازم میدانم عرض بکنم این است که از بدو طلوع عرابی پاشا احدی گمان نمی‌کرد که عاقبت امور مصر بتوپ و تفنگ بکشد و حالا که کار باینجا کشیده و پردهٔ حجاب بواسطه خمپاره و توپ‌کشتی‌های دولت انگلیس از میان برداشته شد کار آنجا که پیش از این مقدمه در نظرها سهل و آسان مینمود حالا بقسمی بعهدہ صعوبت افتاده است که گشودن آن روز بروز مشکل‌تر می‌نماید. مسبب این هنگامه را پرنس ویسمارک میگویند و از قراریکه معروف است انگشت این شخص بزرگوار در جمیع امورات دولتی و غیردولتی بوده است و هست و کره زمین را در یک دست نگاه داشته و ملل روی زمین را بیک ایما و بیک اشاره حرکت میدهد. حالا میانه او با دولت عثمانی خیلی ساز است این فتنه‌ها بواسطه نصایح او برپا شده است، دولت عثمانی به تقویت دولت آلمان معتقد شده است و پرنس ویسمارک ظاهراً او را در این امیدواری باقی داشته اما باطناً اهتمام میکند که آتش فتنه عالمگیر شود بنحویکه همه دولت اروپا در امورات دولت عثمانی بهم بزنند یا اینکه سلطان روم را از اسلامبول بیرون کرده در مصر بنشانند و مملکت او را که در اقلیم اروپا واقع است بدولت اطریش هونگری واگذار نمایند و در عوض این خدمت همه آلمانیها که حالا در تحت تبعیت دولت اطریش هونگری هستند جزء سلطنت عظیمه آلمان بشوند. دولت انگلیس نهر شويس را متصرف خواهد شد باین معنی که اختیار عبور کشتی‌ها از آن نهر بآن دولت خواهد بود. دولت فرانسه هم که در تونس بمراد و آرزوی خود رسید يك چیزی هم بایطالیا خواهد داد. دولت روس حق خود را در آن جنگ آخری که با عثمانیها داشت برده است و احدی در این هنگامه



بی‌قسمت و بی‌نصیب نخواهد ماند. این است خلاصه پولتیک این روزها تا خداوند چه مقدر کرده باشد. هرگاه تازه رو بدهد معلوم است بعرض میرسانم، زیاده چه جسارت شود.

\*\*\*

بتاریخ پانزدهم ژوئیه در عمارت الیزه پذیرائی بود و چون بعد از آن تا چهار پنج ماه دیگر پذیرائی نمی‌شد بنا علیه و نظر بسفارشات جناب مستطاب اجل بندگانعالی باوصف آنکه درد چشم داشتم در آن شب مقرب الخاقان میرزا عباس‌خان سرتیپ و مسیو بواطال را بعمارت مزبور برده و در خدمت جناب مسیوکروی رئیس جمهوری معرفی نمودم و جناب معظم له زیاده از حد اظهار مهربانی نسبت به آنها کرده که حرف راه آهن را هم میان آوردم که امتیاز ساختن این راه از انزلی الی طهران بمسیو بواطال داده شده است و عنقریب از عهده خواهد برآمد. مسیو کروی از این اطلاعات نیز اظهار خوشحالی نمودند و آن شب از همه بابت بحضرات خوش گذشت. در همان مجلس میرزا عباس خان و مسیو بواطال را بجناب دفرسنه وزیر امور خارجه نیز معرفی نمودم، ایشان نیز کمال مهربانی را ظاهر نمودند. در باب عمل راه آهن همینقدر عرض نموده که مسیو بواطال میگوید کار تمام است و عنقریب پنجاه هزار تومان دریک بانک معتبر بصیغه راه آهن گذارده خواهد شد. خدا کند همین طور باشد و ما هم ازدولت سر مسیو بواطال صاحب راه آهن بشویم، اگر این کار بمبارکی سر بگیرد مسیو بواطال را باید پرستش کرده و مجسمه او را از مرمر ساخت و در همه شهرهای ایران نصب کرد. مسیو کاسلن قونسول فرانسه مقیم رود چوق لغت نامه فرانسه بعربی تصنیف کرده و میکند، جلد اول آنرا که گویا حرف اف است بسفارت فرانسه مقیم دارالخلافه فرستاده که بخاکپای مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه

تقدیم بشود. چون مسیوکاسلن آدم عالمی است البته کتاب او مقبول خواهد افتاد و خودش مورد عواطف ملوکانه خواهد شد. زیاده چه جسارت شود.  
۱۸ رمضان ۱۲۹۹

عریضجات مورخه ۲۸ شهر شوال المکرم ۱۲۹۹ نمره ۱۹۰ مشتمل بر چهار طغرا خداوندگارا تعلیقه رفیعه مورخه بیستم شهر رمضان المبارک که در باب وصول طلب اشرف الحاج حاجی علی نقی از حاجی محمد باقر و از آقا محمد مهدی شرف صدور یافته بود، عز وصول ارزانی داشت. چون در این ایام تابستان همه ساله در بیلاق می باشم و مقرب الخاقان میرزا احمدخان بجهت تدارک مراجعت در پاریس است لهذا بمحض زیارت آن بمقرب الخاقان مشارالیه کاغذ نوشته اطلاعات لازمه را بایشان دادم و تعلیقه جناب مستطاب اجل بندگان عالی را ملفوفاً فرستادم که بعد از استحضار آن دونفر مدیون را بسفارت خانه بخواهند و طلب حاج مشارالیه را از آنها مطالبه و اخذ نمایند. از قراریکه جواب رسید معلوم میشود که حاجی محمد باقر باز هم کمافی السابق از حاجی محمد رحیم شاکی است و میگوید هشت ماه باو خدمت کرده ام و او وعده کرده بود که قرض مرا ادا کند ، حالاً نه قرض مرا میدهد و نه مواجب مرا و در این اوقات کارم بجائی رسیده است که از برای نان یومیه معطلم و هرگاه زخم که یهودی است و شخصاً استطاعت دارد خواه بتوسط خودش، خواه بتوسط هم مذهبانش از من دستگیری و اعانت نمیکرد ، حالاً از گرسنگی مرده بودم . در رفتن به ایران حرفی ندارم ، اما برای سفر خرجی لازم دارم . فدوی بدون اجازه نتوانستم خرجی را قرض کرده برای او بدهم ، زیرا که آمدن او باینجا بی حاصل است کسی که چیز ندارد در امان خداست ، مفلس و فی امان اله. حاجی محمد باقر بعضی امانتها داشت که در نزد حاجی محمد رحیم ضبط بود . نمیدانم چه شد ! تفصیل احوالات را مشروحاً و مکرراً معروض داشته بودم که باعث نرسیدن طلب حاجی علی نقی از

حاجی محمد باقر، امین دارالضرب و حاجی محمد رحیم‌اند والا هرگاه این دو تاجر معتبر که محل اعتماد دولت علیه شده‌اند، قدری تدین بخرج میدادند طلب حاجی علی نقی بمعرض تلف نمی افتاد و خلاصه حالا حاجی محمد باقر حاضر است بآمدن بایران، هرگاه حاجی علی نقی خرج راه را بکشد او را روانه میکنم. آقا محمد مهدی هم میگوید طلب حاجی را پرداخته‌ام و حق و حساب با او ندارم. کاغذی هم بمشارالیه نوشته است که لفاً انفاذ حضور مبارك میشود. زیاده چه جسارت شود.

\*\*\*

حالا دو ماه تمام است که کشتیهای جنگی دولت انگلیس استحکامات اسکندریه را بتوپ بسته، خراب کردند و آنوقت الی الیوم دولت انگلیس بقدر چهل هزار نفر لشکر آورده و در خاک مصر حاضر کرده است. آقا عراقی پاشا که آدم خیلی رشید و جسور و باجر بزه و با تدبیر است در موقع خوب استحکامات تدارک کرده و قشون زیاد در نقاط مهمه حاضر کرده است. دم و پیش انگلیسها را بقسمی گرفته است که حرکت برای آنها خالی از اشکال و از خطر نیست. سه روز قبل خود عراقی پاشا که در مقابل اردوی انگلیسها در تپه حفاصین است، حمله بر سر انگلیسها آورده بود و انگلیسها منتظر این حمله نبودند و بی احتیاطی هم کرده بودند و نزدیک بوده است که چشم زخمی برای آنها روی بدهد. اما بعد از پنج ساعت زد و خورد برای انگلیسها کمک میرسد. قشون جانبین که هر طرف قریب ده هزار نفر بوده است به اردوی خود رجعت می نماید، باین معنی که هیچیک از آنها شکست نخورده بودند. هوای مصر بالشگر انگلیس سازش ندارد، اما باوصف این حالت باز هم بر مصریها فائق می-شوند. از عراقی پاشا و از سر کرده‌هایی که همراه او بودند و همچنین از سر باز و سواره و توپچی که در سمت اداره اومی باشند، خیلی تعریف

و توصیف میکنند و فی الواقع جای تعریف هم هست، زیرا که در تیر—اندازی و حمله کمال هنر و رشادت را در این جنگ آخری نموده‌اند و از این حالت معلوم میشود که حکومت مصر در تربیت لشگر خودداری نداشته است. در حقیقت دم قشون انگلیس را گرفتن و حمله بر سر او آوردن خیلی هنراست. هرگاه تیمور پاشا خان ده يك این هنرها را بکار برده و طمع و غرض شخصی را بکنار گذاشته بود، شیخ ملعون از دست نمیرفت و در کمال جلال بقلعه خود مراجعت نمی‌کرد. مقصود این است که در این ایام صاحب منصب و سرباز تربیت شده بکار می‌آید و باید در تربیت آنها و اکتیاع اسلحه پول خرج کرده و الا بی تدارک و بی اسلحه دم قشون انگلیس را نمی‌توان بست. الان خبر تلگرافی رسید که قشون انگلیس بر قشون مصری‌ها غالب شده، دو هزار نفر از مصری‌ها اسیر کرده و چهل توپ از آنها گرفته‌اند. نمی‌دانم این خبر صحت دارد یا خیر، البته امروز یا فردا خبر درست میرسد، اما باید این خبر صحت داشته باشد زیرا که دروغ باین بزرگی نمی‌شود. زیاده چه عرض شود.

**کتابخانه مدرسه بهبهان**

\*\*\*

در باب عمل گمرک در ایام تغییر و تبدیل وزرا ممکن نشد گفتگو شود، در این ایام هم که ایام تعطیل است کار پیشرفت نخواهد کرد، اما همینکه اجزای مجلس و کلابی ملت که بعد از يك ماه ونیم دیگر دوباره بر سر کار خود خواهند آمد در پاریس جمع شدند این مسأله را مجدداً با وزیر امور خارجه و با وزیر تجارت طرح میکنم که بلکه تخفیف در گمرک فرش ایران حاصل شود. اعتقاد این است که هرگاه از وزارت جلیله نیز تحریراً با جناب سفیر دولت بمبیه فرانسه مقیم دارالخلافه در باب تخفیف گمرک فرش مذاکره بشود خیلی بجا و این اقدام باعث قوت این فدوی در پیشرفت آن خواهد بود، دیگر

اختیار باجناب مستطاب اجل‌بندگان عالی‌است و معلوم است بهر قسمی که صلاح دانند همان صواب است. در روزنامه‌ها شهرت میدهند که شیخ عبدالله از اسلامبول فرار کرده است. هرگاه این خبر حقیقت داشته باشد باعث اغتشاشات سرحد آذربایجان خواهد شد. خدا کند که این خبر که باعث ملال خاطر است صحت نداشته باشد و ما از شر او محفوظ بمانیم. در مصر در زد و خوردند. بعضی اقوام طرفین که پیش قراول‌اند بهم خورده‌اند. انگلیسی‌ها بر مصری‌ها فایق آمده‌اند. طولی نخواهد کشید که یک جنگ بزرگ و قطعی در میان لشگر طرفین واقع خواهد شد. از قراریکه میگویند جنرال وزلی که سردار لشگر انگلیس است در مصر و خیلی جنرال صاحب علم و تجربه ورشید و مشهور است، لشگر عرابی را شکست می‌دهد. هرگاه لشگر عرابی شکست بخورد جنگ تمام است و اسباب مصالحه فراهم خواهد آمد. علی‌الحساب بجز مطالبی که در عرایض سابقه معروض شده است چیز دیگر بنظر نمی‌آید که قابل عرض باشد. زیاده چه جسارت شود.

کتابخانه موزه قاجاریه

\*\*\*

در عرایض سابقه معروض شده بود که قالب‌های چوبی فرمایشی را داده‌ام بسازند. از قراریکه مسیو روز رئیس بلورخانه بکارا دو روز قبل براین نوشته بود، چهار عدد قالب برای ریختن تنک و استکان حاضر کرده است، اینکه در ساختن آنها قدری تأخیر واقع شده است دلیل آن این است که این جور قالب‌های چوبی منسوخ است و از برای ساختن آنها استاد پیدا نمی‌شود، خلاصه این چهار قالب حسب الامر ساخته شد و با بارهای عالیجناب حاجی ابوالفتح حمل شده و بایصال ایشان تقدیم خواهد شد. قالب‌های مزبور و صندوق آنها را برای کارخانه ایران بصیغه پیشکش تمام کرده‌ام اما کرایه آنها هرچه بشود باید از جانب دیوان اعلیٰ بعالیجناب

حاج مشارالیه کارسازی شود . اگرچه این قالبها بکار کارخانجات اینجا نمی‌خورد ، اما امیدوارم بکار کارخانه آنجا بخورد و پسند خاطر خطیر اولیای دولت ابد مدت دولت علیه شود . در ایام هفته گذشته و این هفته دو تلگرام بعنوان جناب جلالتآب ناظم الدوله رسید ، بعد از آنکه از لندن بموجب تلگراف استحضار حاصل شد که جناب معزی الیه در اسلامبول تشریف‌دارند ، چنانکه امر شده بود تلگرافهای مزبور را فی الفور بمقصد فرستادم و از تبلیغ آنها باتلگراف بحضور مبارک اطلاع دادم تا آنکه اطمینان خاطر از وصول و ایصال آنها حاصل کرده البته خود جناب معزی الیه نیز وصول آنها را بعرض حضور رسانده‌اند زیاده چه جسارت شود .

۲۸ شوال المکرم ۱۲۹۹

عریضه مورخه ۱۴ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۹۹ نمره ۱۹۱ مشتمل يك طرفه خداوندگارا تعلیقته مورخه ۱۳ شهر شوال بجهت محضورات عدیده بآن شرح و بسط در باب فسخ اجاره‌خانه سفارت فرانسه مرقوم شده بود ، در یوم دوشنبه یازدهم شهر حال شرف وصول بخشید . چنانکه بموجب تلگرام عرض شده بود ، بمحض زیارت آن از بیلاق بشهر شتافته و در یوم چهارشنبه سیزدهم جناب مسیودکلر رئیس شورای وزراء و وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و تعلیقته عالی را حسب الامر برای جناب معزی الیه قرائت و اصل نکات محضورات و مسئله را کماکان خاطر نشان ایشان نمودم . در جواب گفت دولت فرانسه کمال دوستی را با دولت ایران دارد و ما هم همیشه طالب این هستیم که این دوستی محفوظ بماند و در هر اظهار دوستانه‌ایکه از جانب دولت ایران بشود رضای خاطر اعلیحضرت شاهنشاهی عمل بیاید ، اما همین قدر سؤال میکنم که آن خانه پیش

از اجاره البته مسکون بوده است، چرا آنوقت این ایرادها گرفته نمیشد. گفتم هرگاه خانه مسکونی بوده است اهل ایرانی در آنجا سکنی داشته‌اند، اما وقتیکه اجزای سفارت در آنجا باشند نمی‌توان هر ساعت بآنها گفت به باغ نگاه نکنید. گفت مسئله را فهمیدم، اما پیش از آنکه از مسیو دبالوا خبر نرسد نمی‌توان باو حکم هوائی داد. بعد کاغذهایی را که از طهران رسیده بود خواست و خواند و بعد گفت اگرچه در باب خانه خبری نبود ولی مسیو بالوا فقره حبس غلام سفارت و عمل خانه تارك دنیاهاکه در دروازه قزوین است نوشته و در آن ضمن از كنت مونت فورت زیاده از حد و اندازه بدگوئی کرده صریحاً می‌نویسد که آدم بدجنس و بددست است و اگرچه این دفعه شر او را رفع کرده‌ام ولی باز هم خود را از کلک‌های او محفوظ نمی‌بینم. همین‌که جناب مسیو دکلر این کاغذ را خواند گفت دور نیست که این اوضاع به تحریک كنت مونت فورت فراهم شده باشد، در این صورت لازم است از سفیر خودمان در این باب استعلام شود. معلوم است هرگاه اعلیحضرت شاه بدون تحریک احدی باین صرافت افتاده و حضوراً این میل را بسفیر ما اظهار فرموده‌اند، البته لازم است که میل خاطر شاهانه بعمل بیاید. اما هرگاه احياناً به تحریک مونت فورت باشد هرگز دولت فرانسه خود را باین حفت راضی نخواهد کرد. گفتم این کار دخلی بکنت مونت فورت ندارد و از دستور العمل معلوم است که امر، امر اعلیحضرت اقدس همایون است و باحدی مدخلیت ندارد. گفت راست است، اما حرف مأمور خودمان را نشنیده نمی‌توانیم در این باب حکم جاری کنیم. امروز می‌نویسیم تا ببینیم از آنجا چه جواب می‌آید. گفتم این کار خیلی مهم است، باید تلگرافی سؤال و جواب شود. گفت بلی باتلگراف مخبره میکنیم. گفتم هرگاه اذن بدهید منمهم تلگراف میزنم. گفت از بالوا با تلگراف استعلام میشود که هرگاه این میل حضوراً و

بصرافت طبع مبارك اظهار شده است بمیل همایونی خواهد متابعت شد. اما هرگاه این کار بتحریر مونت فورت شده باشد، هرگز تمکین نخواهد شد. حالت مسیو دکلر را نسبت بما خیلی مهربان دیدم و هرگاه این کار بهمان طوریکه باو بیان نموده ام بدون تحریر مونت فورت باشد و مسیو بالوا اشتباه کاری ننماید، حالت را بطوری خوب بیان کرده ام که امیدوارم که در این مسئله رضای خاطر خطیر سرکار بندگان اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحنا فداه عمل بیابد و در عوض چنین خدمت عمده مورد عواطف ملوکانه بشوم. زیاده چه جسارت شود. مورخه چهاردهم شهر ذیقعدة الحرام ۱۲۹۹

عریضه مورخه ۱۸ شهر ذیقعدة الحرام ۱۲۹۹ نمره ۱۹۲ مشتمل يك طرفه

خداوندگارا بر حسب حکم و اجازه ای که از جانب جناب مستطاب اجل بندگان عالی شرف صدور یافته بود، اینک بتاریخ امروز مقرب الخاقان میرزا احمدخان مستشار این سفارت را راه انداختم، انشاء الله به تندرستی و بسلامتی رسیده و بخاک بوس آستان مبارك موفق و سرافراز خواهد شد. چون از سبک رفتار و طرز معقولیت مشارالیه کمال رضامندی را دارم، امیدوارم چنانچه قرار شده است موقتاً برود و بعد از چند ماه که برای سرکشی خانه و عیال لازم است دوباره او را رخصت معاودت داده که آمده کما فی السابق مشغول انجام خدمات مرجوعه بشود. در این ضمن لازم میدانم که عرض کنم که مقررری مشارالیه خیلی کم است و بواسطه تفاوت پول ایران و فرانسه روز بروز کسر میشود و حالا موقع آن است که بعد از شانزده سال خدمت در ولایت غربت اضافه مواجب در حق او عنایت شود. انشاء الله این استدعای فدوی که یکی در مورد مراجعت و دیگری در باب اضافه مواجب مشارالیه است، بموقع اجابت برسد و از بذل این دوبرحمت مایه امیدواری و سر بلندی حاصل میشود. زیاده چه جسارت شود. معروضه یوم دوشنبه ۱۸ ذی القعدة الحرام ۱۲۹۹



عریضجات مورخه ۲۱ شهر ذی‌عقده الحرام نمره ۱۹۳ مشتمل بر دو ظفرا خداوندگارا تلگرام نامه‌ای که بتاريخ ۲۸ ماه سپتامبر ارسال فرمودند، شرف وصول ارزانی داشت. چنانچه مقرر شده بود بمحض وصول آن مراسله به مسیو بواطال نوشته و بمشارالیه اطلاع دادم که بنا باستدعای او از جانب دولت ابد مدت علیه چهارماه دیگر برای او امتداد عنایت شده است که عمل راه آهن را صورت انجام بدهد. اگر چه ادعای مشارالیه این است که کار تمام است، ولی از قراریکه از دور و نزدیک میشنوم این کار خیر ابدأ بتوسط او تمام نخواهد شد، با وصف این احوال نمیدانم بچه خیال جسارت را بجائی رسانده که اولیای دولت علیه را باشتباه می‌اندازد. مقرب الخاقان میرزا عباس خان که از همه کس باو نزدیکتر است و حال او را از همه کس بهتر میشناسد، صریحاً میگوید که خیال مسیو بواطال بجز فریب دادن چیز دیگر نیست. هرگاه در ابتدای عمل یعنی پیش از دادن این امتیاز باو بافدوی شور میگردید، هرگز تصدیق نمی‌کردم که این کار بزرگ بچنین آدم ناپاک محول شود، میترسم بالاخره صدمه او بما بخورد، بطوریکه اصلاح آن غیر مقدور باشد. در این روزها قرار شده است میرزا عباس خان مراجعت بکند، انشاءالله بعد از ورود تفصیل احوال را شخصاً بعرض میرساند و معلوم خاطر خطیر مستطاب اجل بندگانعالی خواهد شد که این بیچاره ضررها کشیده است از دست او و باید بچه احتیاط بآن مرد راه رفت و بچه درجه از شر او حذر کرد. با هزار تدبیر سر میرزا عباس خان را از دست او خلاص کرده‌ام، چگونگی را بعد از ورود بعرض میرساند، اما عجالتاً که کارها باینجا رسیده است مصلحت در این است که نباید این چیزها را بروز داد زیرا که هرگاه او بداند که مچ مبارك باز شده است، مال دولت را هرچه پیش اوست حیف و میل

میکند و کلکها هم برای دولت علیه می‌چینند. این را هم باید عرض بکنم که مسیو بواطال در طهران يك نفر خبرنگار نویس دارد که مسیو تورمان است و این شخص هر چه در آنجا می‌شود می‌نویسد و کارها را مفشوش میکند.

### کتابخانه مدرسه فقهیه قم

زیاده چه جسارت شود، باقی ایام جلالت و شوکت مستدام باد.

\*\*\*

چند روز قبل برای اینها از جانب جناب مسیو دکلروز وزیر امور خارجه دولت بهیه فرانسه مراسله با چهار ورق قرارداد دایر به حل بعضی مسائل الکتریسته رسید و سواد مراسله مزبوره را بانضمام قراردادهای مزبور را اینک لفاً میفرستم چنانکه از مضمون مراسله جناب معزیه معلوم است دولت علیه را دعوت میکند بداخل شدن به کنگره ای که در آن باب در ۱۶ این ماه اکتبر در پاریس منعقد خواهد شد. در این مسئلهها دستورالعمل ندارم وبدون اذن و اجازه اولیای دولت نمیتوانم داخل آنجا بشوم، لهذا این نوشتجات را بتعجیل هرچه تمامتر میفرستم واستدعا میکنم که التفات کرده بوسیله تلگراف دستورالعمل تعیین فرمایند، معلوم است بهر قسمی که جواب وتعلیمات برسد از آن قرار رفتار خواهد شد. مقرب الخاقان مسیو نیکولا سمنبو، ده دوازده روز است که وارد پاریس شده وتعلیقهای را که مصحوب مشارالیه در سفارش خود او بسر افرازی فدوی شرف صدور یافته بود تبلیغ نموده، چنانچه امر شد در هفته گذشته خودم او را بر دم در خدمت جناب مسیو کوثری وزیر تلگراف و پستخانه معرفی کرده از ایشان خواهش نمودم که مسیو نیکولا را که برای تحصیل وتکمیل جمیع قرارداد دایر باداره پستخانه باینجا آمده است، بکار گذاردن پستخانه بزرگ اینجا بسپارند تا اینکه در این شغل که از مشاغل عمده

اوست تکمیل شود. جناب معزی‌الیه در نهایت مهربانی خواهش فدوی را قبول کرده و کمال مهربانی را بمسیو نیکولا اظهار نمودند و قرار شد که برای انجام این کار او را بمسیو نبینه بسپارند و انشاءالله باین واسطه آنچه مقصود اوست و منظور نظر جناب جلالتمآب امین‌الدوله است عمل خواهد آمد. هفت قطعه نشان که دو قطعه آن از درجه اول و پنج قطعه از درجه دوم بود بنا با استدعای فدوی برای چند نفر وزراء و صاحب منصبان دربار حضرت پاپ مرحمت کرده، صادر و ارسال فرموده بودند، مصحوب مقرب الخاقان مسیو نیکولا واصل شد و بخدمت جناب ایلچی پاپ تبلیغ شد و اگرچه قدری دیر رسید ولی از وصول آنها نهایت تشکر و امتنان حاصل کرده، خداوند متعال سایه مرحمت جناب مستطاب بندگانعالی را از سر این کمترینان کوتاه نفرماید که ما را در نزد دوست و دشمن شرمنده و خجل نمیگذارد.

زیاده چه جسارت و رزد مورخه ۲۱ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۹۹

عریضة مورخه سلخ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۹۹ نمره ۱۹۴ مشتمل يك طرفه

خداوندگارا تفصیل احوال و سبب مراجعت مقرب الخاقان معتمد السلطان میرزا عباس خان مهندس باشی را از پاریس در جزو عرایض مورخه ۲۱ شهر حال معروض داشته و اکنون که بسلامتی و تندرستی بخاکبوس آستان مبارک عازم و روانه آن صوب است مجدداً عرض میکنم که چگونگی گزارشات را که دایر بعمل راه آهن است حضوراً و مشروحاً خود مشارالیه بعرض عالی میرساند و حاجت بتکرار فدوی نیست. اما آنچه عرض نکرده‌ام در باب خدمات مشارالیه است و اگر در آن خصوص سکوت نمایم بی انصافی خواهد شد، الحق در این مدت پنج شش سال بجهاتیکه خودش شخصاً معروض خواهد داشت زیاد از حد زحمت و مشقت کشیده و از برای پیشرفت عمل راه آهن متحمل

هرگونه ناملايمات شده، بحدیکه بېمه جهت و بهتر از همه کس مستحق بذل عواطف و مکارم ملوکانه شده است و امیدوارم بعلاوه نشان سرتیپی اول که حق موروئی اوست، يك مرحمت بزرگی که فراخور شأن دولت علیه باشد درازاء این همه خدمت و مشقت درباره مشارالیه ظاهر و مبذول خواهد شد و این استدعای فدوی بموقع قبول اجابت خواهد رسید. درحقیقت این قبیل نوکر بابراکه تربیت - یافتگان دولت علیه اند باید پروبال داد، بطوری که بتوانند بیشتر از پیشتر مصدر خدمات بزرگ بشوند.

زیاده چه جسارت شود. معروضه یوم شنبه سلخ شهر ذیعهده - الحرام ۱۲۹۹.

عریضجات مورخه ۵ شهر ذیعبه الحرام ۱۲۹۹ نمره ۱۹۵ مشتمل بر دو ظفرا

خداوندگارا در همین روزها جناب مسیو دکلر وزیر امور خارجه سواد تلگرام مسیو دیالوا راکه باین مضمون بود، برای فدوی تبلیغ نمود (مسئله تغییر مکان سفارتخانه حسب الخواش شما موافق رضای خاطر اعلی حضرت شاه و مطابق شأن این سفارت صورت انجام پذیرفت) از مضمون این تلگرام معلوم میشود که الحمداله این کار که مایه کدورت شده بود، بخوبی و به رضای طرفین گذشته است. اما اگر میدانستید بچه زحمتها این کار را باین خوبی گذرانده ام، يك التفات مخصوص در حق فدوی مبذول میشد، اما بدبختانه ظهور مراحم و مکارم ملوکانه در حق این فدوی بحدی نادر شده است که از همه چیز حتی از عمر خود هم مایوس شده ام و همین قدر عرض میکنم که در باب مخایره تلگرافی باید قراری داده شود والا باوصف اینهمه گرفتاری - ها و عدم بضاعت غیر مقدور است از عهده این همه مخارج خارق العاده برآمد. امیدوارم که این استدعای فدوی بموقع قبول برسد و کمک در این قبیل مخارج بشود. بتاريخ ۱۸ شهر رمضان سه جلد کتاب زرد

که دو جلد آن دایر بعمل مصر و يك جلد دیگر متعلق به قتل اسپانیولیها بود، فرستاده شد. انشاءالله رسیده و بحضور مرحمت ظهور اقدس همایونی تقدیم شده است. يك جلد دیگر هم چنانچه در عرایض سابق معروض شده بود باین تازگی در باب عمل مصر چاپ شده بود، آن را نیز تحصیل نموده و با پست امروز انفاذ میدارم که آنهم مانند مجلدات سابقه بخاکپای مبارك اعلیحضرت اقدس همایون روحانفاده تقدیم شود. در باب عمل گمرک فرش ایران از قراریکه معلوم میشود مشکل است دولت فرانسه قانونی را که در مجلس وکلای ملت تصدیق و منتشر شده است برای مالالتجاره ایران تغییر بدهند. این قانون عمومی است، یعنی در خصوص جمیع فرشهای مشرق زمین گذاشته شده است و دولت فرانسه فقط فرش ایران را از تحت قوانین کلیه نمی تواند مستثنی نماید. خلاصه از آنجا که وکلای ملت هنوز جمع نشده اند و وزیر جدید تجارت هم هنوز بر سر کار خود خوب سوار نشده است لهذا مجبوراً تا يك ماه دیگر باید منتظر شد تا اسباب کار فراهم بیاید و انشاءالله همینکه وکلای ملت جمع شدند و مجلس قانون منعقد شد شروع بگفتگو خواهند کرد که حالا دیگر امید ندارم که اقدامات فدوی مثمر نتیجه شود، زیرا که قانونی که مجری شده است و عمومیت دارد باین زودیها و باین آسانیها برهم نمی خورد، اما هرگاه مأذونم فرمائید بطور دیگر این سیاهه را طرح میکنم که بلکه در باب بعضی از فرشهای ایران که بر حسب وزن از فرشهای عثمانی سنگین ترند يك تخفیفی داده شود. خلاصه آنچه ممکن و هر تدبیری که لازم است بکار برده خواهد شد که بلکه این عمل پیشرفت بکند و رضای خاطر اولیای دولت علیه بعمل بیاید. در باب شیخ عبدالله که نوشته بودند موقتاً شریف مکه شده است، این خبر دروغ نبوده، ولی شیخ عبدالله کرد نبوده، شیخ عبدالله برادر شریف سابق مکه معظمه بوده است.

امروز بازیک تفصیل جدیدی هم از شیخ ملعون در روزنامه های اینجا نوشته اند که باده هزار نفر بر سر شهروان حمله آورده و باهالی شهر تکلیف کرده است که شهر را تسلیم نمایند. سی هزار نفر از لشگر ایران در حرکت است که به او برسند. دولت عثمانی هم توپ و توپخانه و لشگر فرستاده است که پدر شیخ را از گور بیرون بیاورند و او را زنده یا مرده دستگیر نمایند. اما این اخبار اراجیف است و نباید صحت داشته باشد. محض اطلاع عرض شد. زیاده چه جسارت و رزد.

\*\*\*

دو طغرا تعلیقۀ رفیعه که تاریخ آنها از بیست و هفتم شهر شوال بود شرف وصول بخشید. از مندرجات آن که سراپا مملو از عنایت و مرحمت بود، نهایت سرافرازی حاصل شد. امیدوارم از توجهات مخصوصه و حسب الاشاره، توسعه در امر این سفارت داده شود و از ظهور عواطف ملوکانه، محض رعایت احوال این فدوی، باقی مانده های سنوات ماضیه با مخارج سفر روم و ولایت قفقاز و وین و تلگرافها و غیره که تقریباً معادل چهار هزار تومان است مرحمت شود و از مرابحه دادن، فدوی آسودگی حاصل و در قروض تخفیفی داده شود. در باب مخابره تلگرافی هر روز دچار خسارت شده و میشوم فقط در این مدت چهار پنج ماه در باب تلگرافهای مربوط به مسأله سفارت فرانسه و ابتیاع قالبهای بلور و تفنگک غرا و عمل گمرک فرش ایران و این مسئله آخری که دایر به تغییر دادن منزل سفارت فرانسه بوده، نزدیک بدویست تومان پول تلگراف داده ام و چنانچه سابقاً عرض شده است مقرری سفارت بعد از وضع عشر و تفاوت پول ایران و فرانسه، چهل و پنج هزار فرانگک شده است و اگر چنانچه با وصف این احوال باید متحمل مخارج مخابره تلگرافی و بعضی مخارج دیگر بشوم، چیزی

از مقرری باقی نمی ماند که بتوان به آن در اینجا زندگی کرد. بحق خدامحال و غیرممکن است که باین مبلغ قلیل سفیریک دولت بتواند خانه و کالسکه شیک داشته باشد و از عمده مخارج خورد و خوراک و لباس و مواجب نوکر و سوخت و سوز و غیره و غیره برآید. از آه و ناله کردن، غرق خجالت و شرمندگی بوده و هستم و هزار مرتبه بمرگ خود راضی شده ام که از این اظهارات ننمایم اما باز هم کسالت و استیصال که روز بروز در تزیاید است مجبورم میکنم که درد خود را ظاهر نمایم که بلکه رحمی بدل اولیای دولت بیفتد و این فدوی را از این حالت استخلاص نمایند. در ضمن تعلیقه، اشاره شده بود که ده فرمان سفید مهر برای روزنامه نویسها و غیره مرحمت شده است، از این خبر که باعث استنباط خاطر و مایه تشکر است معلوم میشود که بالکلیه از نظر محو نشده ام و عنقریب چاره بدرد فدوی خواهد شد. زیاده چه جسارت شود معروضه ۵ شهر ذیحجه الحرام ۱۲۹۹

عریضه مورخه ۲۳ شهر ذیعهده الحرام ۱۲۹۹ نمره ۱۹۶ مشتمل یک طغرا

خداوندگارا دو هفته قبل براین جناب ناظم الدوله مراسله باین فدوی نوشته و از آنجا که آمدن ایشان بپاریس بواسطه مشاغل زیاد بعهده تعویق افتاد، نامه همایونی را که دایر بود به ولادت با سعادت حضرت اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم اکرم نصرت الدین میرزا، نزد این فدوی فرستاده که بحضور جناب رئیس جمهوری و وزیر امور خارجه تبلیغ نمایم بمحض وصول آن بجناب وزیر امور خارجه مراسله نوشته بار حضور خواستم و از قراریکه جواب رسیده در یوم ۲۸ ماه اکتبر که مطابق چهاردهم شهر حال است پذیرفته شده، نامه همایون را شخصاً بجناب مسیوکروی تبلیغ نمودم. از شنیدن این خبر اظهار خوشحالی کرده و بعد از عمل آوردن

مراسم تبریک و تهنیت بعضی سئوالها از عدد اولاد بندگان اعلیحضرت اقدس همایون روحنا فدا نموده و پس از شنیدن جوابهای کافی از ملاقات فدوی نیز اظهار خوشی ها کرده ، گفتند جواب نامه را مینویسم و میفرستم ، اما علی العجالة خواهش دارم مراتب دوستی و مودت مرا بخاکپای مبارک همایون تقدیم نمائید . بحمدالله مجلس خیلی خوش گذشت و چیزیکه قابل عرض باشد واقع نیفتاد که بنگارش جسارت شود . در این ایام در روزنامه ها از همه کس ضرب می نویسند و چند روز است که بجان بیچاره رئیس جمهوری افتاده اند . بطوری بی مزگی میکنند که انسان از خواندن روزنامه متنفر میشود ، خلاصه آزادی روزنامه ها بجائی رسیده است که احدی از شر آنها محفوظ نیست ، برای مزید اطلاع جناب مستطاب اجل عالی ، تفاصیلی که در تکذیب مسیوکروی نوشته اند را از روزنامه ها بریده و اینک لفاً میفرستم . زیاده چه جسارت شود مورخه ۲۳ ذیقعد سنه ۱۲۹۹ .

**عریضجات مورخه ۲۲ شهر محرم الحرام ۱۳۰۰ نمره ۱۹۷ مشتمل بر چهار طغرا**

خداوندگارا پریروز مسیود و پوئی حكاك مشهور اینجا ، باین سفارت خانه آمده اظهار داشت که از جانب مسیوبو اطال تلگرافی بمن رسیده که قالبهای سکه پول ایران را تمام بکنم و بعضی نمونه ها هم که تمام کرده بود نزد فدوی آورد ولی خط فارسی آنها بد شده بود . به حكاك گفتم اولاً در این باب دستور العملی بمن نرسیده است و ثانیاً تا دستور العمل از دارالخلافه نرسد سکه نمی توان زد . گفت از برای مسیوبو اطال رسماً خبر رسیده است و بمن رسماً خبر داده است که قالبهای مزبور را تمام بکنم . گفتم علی الحساب دست نگه بدارید و بمسیوبو اطال بنویسید که باین خط سکه نمی توان زد . باید منتظر شد که احکام و خط خوب از ایران برسد و الا



هرگاه سرخود این کار را باین طورها ناکامل بانجام برسانید ، اسباب مرارت برپا خواهد شد . خلاصه اذن ندارم بشما در این باب دستورالعملی بدهم و تا احکام از دارالخلافه بمن نرسد من مداخله باین کار نخواهم کرد . حالا نمی دانم که مسیو بواطال بچه اطمینان بدون اعلان این سفارت باین کارها اقدام میکند ! ؟ اگر چه بی اطلاع این سفارت نمی توانند در اینجا سکه بزنند ولی هرگاه اشتباه کاری بشود خسارت کلی بمسیو بواطال میرسد و هرگاه سند در دست داشته باشد می تواند از دولت علیه غرامت بخواهد . محض اطلاع عرض شد دیگر اختیار با اولیای دولت است .

\*\*\*

تلگرافنامه رمزی که بتاریخ ۱۳ ماه نوامبر و باین مضمون بود شرف وصول ارزانی داشت : (نوشته جات بیست و یکم ذیعقده آنجناب را بعرض حضور همایون رساندم . مرخص فرمودند آنجناب را با هرکس که صلاح بدانند ، داخل کنگره ای که در پاریس برای حل مسائل الکتریستیه منعقد خواهد شد ، بشوید) یک روز بعد از زیارت آن ، مراسله بهمین مضمون بجناب مسیو دکلر وزیر امور خارجه نوشته و خواهش کردم تفصیل احوال را بهر جا که لازم است اطلاع بدهند که تکلیف فدوی معین شود . از قراریکه جناب معزی الیه جواب نوشته اند معلوم میشود که در کنگره منعقد پاریس در ۱۶ ماه اکتبر گذشته دو مسئله طرح شده بود ؛ یکی در باب وحدانیت الکتریک و دیگر در خصوص حمایت سیم طنابی زیر دریائی . قرارداد این یکی را گذاشته و قرارنامه آن بامضای دول متحابه فرستاده شده است ، اما در باب تعیین وحدانیت الکتریک ، مأمورین دولت در آن کنگره حاضر بودند ، بعد از گفتگوی زیاد خواهش خود را اظهار کردند و از دولت فرانسه مخصوصاً تمنا نمودند که در

تعیین و تشخیص این مسئله همت گمارند و آن مجلس در ماه اکتبر سال آینده منعقد خواهد شد که این مسئله را حل بنمایند . برای مزید اطلاع قراردادی را که در آن دو مجلس گذاشته شده است با سواد مراسله جناب مسیو دوکلردرف پاکت عرایض امروز انفاذ می‌دارم و چنانکه از مضمون مراسله مزبور استنباط نمودم استدعا دارم اختیارنامه مخصوص برای فدوی ارسال فرمایند تا اینکه قرارنامه متعلقه بحمايت سیم طنابی زیر دریائی را امضاء نمایم و اختیار این را داشته باشم که در آن مجلس دیگر که دایر به تعیین وحدانیت الکتریک است و در اکتبر آینده مجدداً منعقد خواهد شد شخصاً حضور داشته باشم یا کس دیگر را بجای خود معین نمایم .

\*\*\*

### کتابخانه مدرسه لیبه‌لی

تعلیقہ جات رآفت آیات مورخه ۲۲ و ۲۸ ذی قعدہ و ۲ ذی حجه الحرام که بعضی بتوسط پست و برخی مصحوب عالیجاه مجدت همراه حاجی عبداله پیشخدمت باشی جناب جلالت مآب مستوفی الممالک فرستاده شده بود بضمیمه دو طغرا فرمان روزنامه نویسها شرف وصول بخشید و از مضامین مرحمت آئین آنها کمال امیدواری و سرافرازی حاصل شد . دو طغرانامه مهرلمعان که در جواب نامه جنابان رئیس جمهوری فرانسه و دولت جمهوری [یک کلمه ناخوانا] از جانب سنی الجوانب همایون نوشته شده بود لفاً ارسال فرموده بودند اولی را خودم تبلیغ نمودم و دومی را بایصال پستخانه فرستادم و انشاءالله بی‌عیب بمقصد خواهد رسید . عالیجاه حاجی عبدالله در یوم ۶ شهر حال بسلامت وارد پاریس شد آنچه لازمه مهربانی بود در حق مشارالیه بعمل آمد و بعد از سفارشات لازمه با دکتر کالتروسکی ، پزشک مشهور ، قرار شد که چشم راست او را که آب آورده و معیوب بوده معالجه نماید و این عمل خیر دردم

همین ماه که عید قربان بود واقع شد و از فضل خداوندی دکتر کالتروسکی پرده سفید را که مانع ازدیدن بود بمهارت تمام وبدون اینکه عیب و آسیبی بچشم مشارالیه برسد بریده و درآورد و حالا رفع علت شده است ، اما باید تا هفت هشت روز دیگر در تاریکی باشد و نور آفتاب را نبیند ، بعد از آن دیگر باکی نخواهد داشت . از حالا این چشم دست خورده از آن چشم دیگر بهتر می بیند و آن چشم دست نخورده نیز آب آورده است ولی بدرجه ای نرسیده است که بتوان در آنهم عمل کرد . محتمل است تا دو سال دیگر بمرحله عمل برسد و هرگاه آنوقت حاجی بخواد دوباره پیاریس بیاید آن چشمش را نیز مانند این چشم معالجه می کنند باخواست خدا .

گزارش ماه به لیبیه الم

\*\*\*

دو طغرا تلگرافنامه که یکی باز و دیگری رمزی و هر دو ۲۸ ماه نوامبر گذشته فرستاده شده بود واصل و زیارت شد . تلگراف باز یکساعت زودتر از تلگراف رمزی رسیده و چون حکم اکید شده بود قرارنامه محکم با مسیو بواطال ببندم که ده ملیان پول طلا و نقره بسکه اعلیحضرت شاهنشاهی در ضرابخانه فرانسه سکه زده بشود لهذا دست بکار شده بودم که تلگرافی برای او بلندن بفرستم و او را باینجا بطلبم ، اما خوشبختانه تلگراف رمزی که پاسخ تلگراف باز بوده بموقع رسیده و تلگراف خودم را برای مسیو بواطال نفرستادم و بروز آنرا برای او نداده و نخواهم داد و حسب الامر تلگرام اولی را که درباب انعقاد قرارنامه با مشارالیه بود اینک در لف پاکت اعاده مینمایم و خاطر جمعی میدهم که این خبر از این سفارت منتشر نشده و نخواهد شد . چنانچه اشاره شده بود وصول آنرا با تلگراف رمزی عرض کردم و چون يك روز قبل از آن کتاب ناسخ الرموز مقرب الخاقان میرزا محمود خان با مفتاح آن رسیده بود ، بنا علیه جوابرا از روی آن باین مضمون عرض کردم

(تلگراف رمز جناب عالی رسیده مطابق فرمایش رفتار خواهد شد) و لازم میدانم این را نیز عرض بکنم که کتاب مزبور خیلی با فایده و کار رمز را خیلی آسان و با صرفه کرده است و در حقیقت خیلی جاداشت که در خاکبای مبارک اقدس همایونی روحانفداه مطبوع و مستحسن میشد و سبب ترقی و اعتبار مقرب الخاقان مشارالیه بشود. البته در ازای این خدمت بزرگی که بدولت و بملت ایران کرده است التفات شایسته در حق مشارالیه شده است ، فدوی با این بی بضاعتی در فکر تهیه سوغاتی هستم که در عوض این یادگار خوب برای ایشان بفرستم ، اما یادگار فدوی در مقابل مراحم ملوکانه و عنایات اولیای دولت علیه مانند قطره خواهد بود که در مقابل دریای محیط گذاشته شده باشد . موقعی که سر این پاکت را می بستم تعلیقۀ مورخه ۲۳ شهر ذی حجه الحرام توسط پست رسید. مرقوم شده بود که حسب الامر اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه نمونه معدن سرب در همان تاریخ با پست بعنوان این سفارت فرستاده شده که بعد از رسیدن آنرا بیک نفر معدن شناس قابل بدهم تجزیه بنماید و بعد از آن معلوم بکند که چه قدر نقره و بچه مقدار سرب و چه قدر اجزای خارجه دارد ، اما نمونه مزبور هنوز نرسیده است و باید موافق قاعده تا ده روز یا دوازده روز دیگر برسد و انشاء الله همینکه رسید آنرا به تجزیه رسانده و تفصیل احوال را بعرض حضور مبارک میرسانم . زیاده مطلبی نیست که بعرض آن جسارت نمایم .

فی یوم دوشنبه ۲۲ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۰